

## بازخوانی فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه\*



### سمانه تقدیر

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

نویسنده‌ی مسئول: [s\\_taghdir@iust.ac.ir](mailto:s_taghdir@iust.ac.ir)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

### چکیده

شناخت فرآیند خلق و ادراک آثار معماری از مسائل مهم و پیچیده‌ی حوزه معماری است و علی‌رغم پژوهش‌های متعددی که در دهه‌های اخیر پیرامون آن صورت گرفته؛ هنوز برخی از ابعاد این فرآیند ناشناخته باقی مانده است. با توجه به اینکه شناخت مناسب از این فرآیند می‌تواند زمینه‌ی ارتقا کیفیت آثار معماری را فراهم آورد؛ و به حل بسیاری از مسائل پیش روی معماران کمک نماید؛ مساله پژوهش حاضر بازخوانی ساختار فرآیند خلق و ادراک آثار معماری، براساس مبانی دیدگاه حکمت متعالیه در نظر گرفته شده و برای انجام آن از راهبرد استدلال منطقی استفاده شده است. در این پژوهش ابتدا به تعریف دقیق انسان، هستی، ابعاد و ظرفیت‌های هر یک پرداخته شده؛ و سپس نحوه تعامل انسان و هستی و بازتاب این رابطه را بر فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه، که شالوده‌ی نظری این پژوهش است؛ مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

همچنین با توجه به آن که بر اساس مبانی حکمت متعالیه، خداوند انسان را در صفت خلاقیت به صورت خود آفریده و متعالی‌ترین خلق نیز عالم هستی است؛ در این پژوهش فرآیند خلق عالم هستی مورد بازخوانی قرار گرفته و با الگوگیری از آن ساختار فرآیند خلق و ادراک آثار معماری در پنج مرحله تبیین شده است؛ که ارکان اصلی سازنده این ساختار عبارتند از: مرتبه نفس معمار و مخاطب، قوای ظاهری انسان (بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و لامسه)، و قوای باطنی او (قوه متصرفه، خیال (خزانه صورت)، حافظه (خزانه معنا)، حس مشترک و واهمه) در معمار و مخاطب، مقوله‌های سازنده معماری (فرم، کاربرد، معنا، طرح و ساخت، بافت و پیوستگی، روحیه و اراده)، نیازهای چهارگانه انسان (مادی، روانی، عقلانی، و روحانی)، و در نهایت با شناسایی عوامل موثر بر کیفیت این فرآیند پیشنهاداتی جهت ارتقای کیفیت آن ارائه شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد با قرار دادن مبانی جامع مکتب اسلام، به‌عنوان شالوده نظری پژوهش‌های معماری می‌توان به حل مسائل پیچیده در حوزه معماری کمک نمود.

واژه‌های کلیدی: نفس انسان، عوالم هستی، فرآیند معماری، خلق، ادراک، حکمت متعالیه

## مقدمه

موضوع «فرایند خلق و ادراک آثار معماری»، از شکل‌گیری و پرورش ایده تا خلق آثار محسوس و ادراک آن، موضوعی مهم و دارای بنیان‌هایی حکمی و فلسفی است؛ که با اساسی‌ترین سؤالات مربوط به ماهیت انسان و هستی در ارتباط است؛ و همین مقوله سبب پیوند حوزه معماری با بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی شده است. بنابراین در این فرایند شناخت انسان به‌عنوان خالق اثر و مدرک اثر، و توجه به جهان هستی به‌عنوان زمینه و بستر پیدایش اثر و نحوه تعامل این دو، در یک بستر علمی، با مبنا قرار دادن چارچوب نظری مشخص از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این پژوهش در نظر است به بازخوانی فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل موثر بر کیفیت آن با توجه به تعریف انسان و هستی و نحوه تعامل آنها بر شکل‌گیری این فرایند، بر اساس مبانی اسلامی پرداخته شود. شالوده نظری این پژوهش دیدگاه «حکمت متعالیه» است؛ و به دنبال شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری با توجه به نقش ارکان اصلی سازنده این فرایند که انسان و هستی است می‌باشد؛ لذا در بخش‌هایی از آن که تمرکز بر شناخت هستی و عوالم آن، قوا و مراتب ادراکی انسان، نحوه تعامل انسان و هستی، فرایند تحقق افعال و آفرینش‌های انسان است؛ نیاز است تا تعاریف روشن و دقیق باشند و از آنجا که در برخی از این تعاریف میان فیلسوفان مسلمان اختلاف نظر وجود دارد باید مکتب فلسفی مشخصی به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شود. از آنجا که در میان مکاتب فلسفی مطرح، مکتب فلسفی ملاصدرا - که با عنوان «حکمت متعالیه» شناخته می‌شود - به شالوده نظری این پژوهش - که مبانی اسلامی با رویکرد نظریه «دین حداکثری» است - نزدیک‌تر است؛ این مکتب مبنا قرار گرفته است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

موضوع فرایند خلق و ادراک آثار معماری، و نقش تعامل انسان و هستی بر شکل‌گیری این فرایند و بیان این رابطه به زبانی علمی و دقیق همواره از اهمیت بالایی در حوزه معماری برخوردار بوده و هست. زیرا انسان خود هم خالق اثر و هم مخاطب اثر است و هستی نیز بستر و زمینه خلق اثر معماری است. به عبارتی معمار

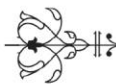
با توجه به دیدگاهش درباره انسان و هستی و رابطه آنها با یکدیگر به طراحی محیط و خلق آثار معماری می‌پردازد؛ و مخاطب نیز بر اثر معرفت و دیدگاهش به این دو آثار معماری را ادراک می‌کند. در طی سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی جهت شناخت انسان و محیط پیرامون او و رابطه این دو و تاثیر این رابطه بر فرایند خلق و ادراک آثار معماری صورت گرفته است؛ که هر کدام از آنها با وجود ارائه دستاوردهای کاربردی با نواقصی روبرو بوده‌اند؛ زیرا محیط پیرامون انسان را به صورت جامع تعریف ننموده و همچنین در تحقیقات خود بیشتر متکی به برداشت‌های میدانی و تمرکز بر بازخوانی رفتارهای انسان‌ها بوده‌اند (ر.ک: لنگ ۱۳۹۰).

در راستای شناخت رابطه‌ی انسان و هستی و تاثیر آن بر خلق آثار معماری و ادراک آنها، بر اساس مبانی اسلامی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که هریک از منظری خاص به این مقوله توجه نموده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها بنیادی بوده و مباحث کلان این حوزه را مطرح نموده‌اند؛ مانند نصر ۱۳۷۵؛ ندیمی ۱۳۸۰؛ نقره‌کار ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۰؛ بلخاری ۱۳۸۴؛ رئیس‌سمیعی ۱۳۸۲؛ خاکی قصر ۱۳۹۱؛ خواجوی و همکاران ۱۳۹۰؛ و برخی دیگر کاربردی بوده و یا بخش‌هایی از این فرآیند را بررسی نموده‌اند؛ مانند (اردلان و بختیار ۱۳۸۰؛ رنجبر کرمانی ۱۳۸۸؛ خیراللهی ۱۳۸۹؛ رئیسی ۱۳۹۲؛ عظیمی ۱۳۹۲). اما علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته، موضوعی که در این حوزه به نظر می‌رسد تا حدی مغفول مانده است و ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتری را طلب می‌کند؛ بررسی تناظر میان مراتب وجودی انسان و هستی و نحوه تعامل آنها با یکدیگر و بازتاب این رابطه بر ساختار و نحوه شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری و جهت‌دهی به آن است که پژوهش حاضر قصد دارد به آن بپردازد.

## پرسش‌های پژوهش

مهمترین پرسش‌هایی که این پژوهش با آن روبرو بوده و لازم است بر اساس مبانی اسلامی با تاکید بر دیدگاه حکمت متعالیه به آن پاسخ دهد؛ به قرار زیر است:

چیستی رابطه انسان و هستی و چگونگی تاثیر این رابطه بر شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس چه ساختار و مراحل محقق می‌شود؟



تدوین انگاره اولیه، طراحی اولیه، تهیه نقشه‌های اجرایی و مرحله اجرا تقسیم می‌کند (همان ۴۳).

با دقت در مدل‌های ارائه شده برای فرایند طراحی، می‌توان گفت مجموعه‌ای از مدل‌ها بر عقلایی و عینی بودن فرایند دلالت می‌کنند؛ و گروه دیگری از مدل‌ها ماهیت فرایند را جدلی می‌دانند. هورست ریتل (۱۹۷۲) گروه اول را نسل اول، و گروه دوم را نسل دوم مدل‌های طراحی نامیده است. ترتیب زمانی این تفکیک نیز تا حدودی درست است (لنگ ۱۳۹۰، ۲۵)؛ اما امروزه دیدگاه صرفاً عقلی و سیستماتیک نسبت به طراحی معماری تغییر کرده و مطالعات بر روی طراح و ذهن او تاکید می‌کند. «امروزه توافقی عمومی بر این ایده وجود دارد که به طراحی به‌عنوان فرایند حل مسائل نامشخص<sup>۳</sup> - که به خلاقیت وابسته است - می‌نگرد» (کاسکین<sup>۴</sup> ۲۰۰۸، ۴۷). مشکل اساسی مدل‌های ارائه شده برای فرایند طراحی این است که از پرداختن به توانایی‌های انسان یا واقعیت‌های محیط و یا متغیرهایی چون معنای نمادین محیط که مشکل درک می‌شوند؛ اجتناب ورزیده‌اند.

بنابر بر مطالعات صورت گرفته می‌توان گفت از سال ۱۹۶۰ تاکنون، تحقیقات بسیاری در این حوزه انجام شده است. در دو دهه گذشته، برایان لاسون و ویلیام میچل، به مطالعه تفکر طراحی و منطق طراحی معماری پرداختند. کنترل بر فرایند، هدف مطالعات کریستوفر، جونز و بروس آرچر بود که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ساختار موضوع مورد طراحی، توسط پیتر لوین، بری پوینر و ملوین وبر به همراه هورست ریتل بررسی شده است (عظیمی ۱۳۹۲). جنبه‌های شناختی طراحی توسط امر ایکن، برایان لاسون، جین درک و فلسفه روش‌های طراحی بیشتر توسط برادبنت و کراس مطالعه شده (کراس<sup>۵</sup> ۱۹۸۴)؛ و نگاهی جامع به فرایند خلق اثر معماری از ایده تا اجرا و ارزیابی پس از بهره‌برداری بیشتر مورد توجه جونز، سوینبرن، لاسون و لنگ بوده است؛ و همانطور که اشاره شد؛ مدل‌های در این باره ارائه نموده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت به طور کلی سه دیدگاه پیرامون فرایند طراحی معماری وجود دارد. برخی آن را فرایندی شهودی و غیرقابل توضیح می‌دانند. برخی آن را فرایند عقلی دانسته‌اند؛ و گروهی دیگر آن را فرایند جدلی می‌دانند. اما با وجود این اختلاف‌نظرها، بیشتر افراد برای فرایند طراحی مراحل را قائل شده‌اند (ر.ک: لنگ ۱۳۹۰، ۴۲). باید اشاره کرد علی‌رغم کثرت

عوامل موثر بر کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری کدامند؟

چگونه می‌توان سبب ارتقای کیفیت در شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری شد؟

### روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی است. تحقیق بنیادی خود بر دو نوع است؛ نظری و تجربی. این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی نظری است. به اختصار می‌توان گفت راهبرد انجام این تحقیق استدلال منطقی است و در مرحله گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، و در مراحل بعدی از روش استدلال قیاسی استفاده نموده است. اصول و گزاره‌هایی نظری که در مراحل این پژوهش از مبانی حکمت متعالیه استخراج شده است؛ به‌عنوان مفروضات اصلی در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته و این ظرفیت را داشته‌اند که بر اساس آنها نتایجی منطقی در حوزه تبیین ساختار و مراحل تحقق فرایند خلق و ادراک آثار معماری و ارتقا کیفیت این فرایند ارائه شود.

### پیشینه‌ی موضوع

فرایند طراحی، مجموعه‌ی مراحل است که یک طراح به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه برای رسیدن به طرح و ایده خود طی می‌کند. «از نظر چینگ (۱۳۷۱) طراحی فرایندی است حیاتی، قابل دسترس و لذت‌بخش و سازنده که در نهایت فرایندی است خلاقه. معماران به طور سنتی نقش مهم و ممتازی در فرایند طراحی معماری دارند (گری<sup>۱</sup> و هاگز<sup>۲</sup> 2001). بنابراین می‌توان گفت طراحی و بخصوص طراحی معماری، فعالیتی پیچیده است که طراح، دانش و توانایی‌های او در فرایند و همچنین کیفیت محصول نهایی تأثیرگذار می‌باشد. مطالعات اخیر، در این حوزه نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان به طراحی به‌عنوان یک فرایند مشخص و صرفاً عقلایی نگریست؛ بلکه نحوه تفکر طراح، فرهنگ، وجود و شخصیت او در این فرایند موثر و مهم هستند» (ر.ک: عظیمی ۱۳۹۲، ۱۵) برایان لاسون فرایند طراحی را به صورت نوعی مذاکره بین مسئله و راه حل از طریق سه فعالیت تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی توصیف می‌کند (لاسون ۱۳۸۴، ۴۴)؛ و ماریو سالوادوری فرایند طراحی معماری را به برنامه‌ریزی،





## بررسی فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بر مبنای دیدگاه اسلامی

در برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه بررسی فرآیند خلق آثار معماری، مبانی نظری و مفروضات پژوهش بر مبنای دیدگاه حکمت متعالیه بوده و نتایج ارائه شده آنها بر اساس این مبانی شکل گرفته است (رئیس‌سمیعی ۱۳۸۲؛ خاکی‌قصر ۱۳۸۸؛ خواجوی و همکاران ۱۳۸۹؛ اخلاصی و همکاران ۱۳۹۰) که تا حدودی به جهت‌گیری پژوهش حاضر نزدیک است.

یکی از این پژوهش‌ها توجه ویژه‌ای به نظریه مراتب وجود در معماری نموده است (رئیس‌سمیعی ۱۳۸۲)؛ و مطرح کرده از آنجا که نظریه مراتب وجود جایگاه هر پدیده‌ای را در عالم هستی مشخص می‌کند؛ به کمک این نظریه می‌توان مرتبه وجودی هر چیزی را، از حالت انسان گرفته تا یک اثر هنری و معماری، مورد تأمل و تفحص هستی‌شناسانه قرار داد. و در نهایت با توجه به نظریه مراتب وجود به جایگاه برنامه‌ریزی، طراحی و معماری اشاره می‌کند. البته نتایج این پژوهش بیشتر در راستای تحلیل و تأمل هستی‌شناسی بر آثار معماری مورد استفاده قرار گرفته است و بسط آن در حوزه‌های فرآیند طراحی معماری و روش‌های آموزش معماری، به عهده سایر پژوهشگران در این حوزه قرار داده شده است.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه از منظر حکمت متعالیه انجام شده است که بیشتر به فهم فعل انسان، به خصوص در خلق آثار هنری و گاهی معماری پرداخته و نقش قوای انسان به خصوص قوه خیال و نحوه تعامل آن با حس و عقل را در کلیات مورد توجه قرار داده؛ هر چند وارد جزئیات نشده‌اند؛ اما سعی کرده‌اند رویکردهای نویی را در این حوزه مطرح نمایند؛ و با توجه به تناظراتی که میان مراتب وجود و نفس انسان وجود دارد؛ سعی دارند مبانی پایه‌ای در حوزه فرآیند آفرینش‌های هنری انسان تبیین نمایند (خواجوی و همکاران ۱۳۸۹؛ اخلاصی و همکاران ۱۳۹۰؛ عظیمی ۱۳۹۲). پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه بررسی فرآیند طراحی معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه مطرح می‌نماید فرآیند آفرینش از معنا آغاز می‌گردد. سیر تجلی معنا در اثر معماری با کمک و واسطه خیال صورت می‌گیرد. بدین قرار که هر مفهوم یا معنایی برای گرفتن صورت در عالم واقع و محسوس ابتدا باید تصویری خیالی بگیرد. معنا از وجود طراح می‌آید و تصاویر خیالی

پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه نتایج حاصل شده از آنها به طور محسوسی نتوانسته‌اند نقشی در تکمیل نتایج قبلی داشته باشند. زیرا هر کدام از منظری خاص به تبیین این فرآیند و مراحل آن پرداخته‌اند. البته در مدل‌های کلی ارائه شده برای فرآیند طراحی معماری که مراحل اصلی این فرآیند را توضیح داده‌اند تا حدی همگرایی دیده می‌شود؛ مانند مدل لاسون، الکساندر، سوینبرن.

نکته مهم و قابل توجهی که از مطالعات انجام شده حاصل شده است این که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته تنها به بررسی فرآیند خلق آثار معماری پرداخته‌اند و مرحله ادراک مخاطب (تاثیر اثر) از منظر متفکران جایگاه تعریف شده‌ای در امتداد این فرآیند ندارد و آنها این دو مرحله را جدا در نظر گرفته و آن را به صورت منسجم مورد مطالعه قرار نمی‌دهند. لذا آنچه خلاء آن مشهود است و امروزه در حوزه فرآیند خلق و ادراک آثار معماری باید بیشتر به آن پرداخته شود بازخوانی ساختار این فرآیند در مرحله خلق و ادراک، توأمان و بر اساس مبانی مشخص و یک نگاه کل نگر است که به منشأ درونی و بیرونی این فرآیند و تاثیر آن بر مخاطب توجه نماید. همچنین لازم به اشاره است منشأ و آغاز فرآیند خلق و ادراک آثار معماری که ایده‌های هنرمندان و معماران است نیز؛ کمتر مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته؛ و به این بسنده شده است که «فرآیند خلق اثر معماری یک فرآیند صرفاً عقلی و سیستماتیک نیست و به خلاقیت انسان وابسته است. و حوزه خلاقیت نیز بسیار پیچیده است». در صورتی که مرتبه وجودی طراح، نحوه تفکر و توانایی‌های او در شکل‌گیری این فرآیند موثر می‌باشد. باید مد نظر قرار داشت که ایده‌های معماران در فرآیند طراحی از عمیق‌ترین لایه‌های وجودی آنها سرچشمه می‌گیرد و بر مخاطبان آنها نیز تاثیر می‌گذارد. پس اگر معماری را به‌عنوان یک پدیده در نظر بگیریم؛ شناخت و بررسی علت مادی، صوری، فاعلی و هم علت غایی آن امری مهم و ضروری است که علت فاعلی و غایی آن جزو مباحث معرفت‌شناسی است. لذا در بررسی این پدیده توجه به حوزه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین در مجموع، معماری با هر سه حوزه علوم مادی، زیستی و انسانی سر و کار دارد و شناخت هر سه حوزه برای شناخت این فرآیند امری ضروری است.





یک از مراحل این فرایند نیز به راحتی قابل شناخت، درک و ارزیابی باشد.

### تبیین فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه

معماری از آن دسته معارف بشری است که با هر سه حوزه معرفت‌شناسی یعنی حوزه علوم طبیعی، علوم انسانی، خلاقیت و هنر در ارتباط است؛ و فرآیند شکل‌گیری و پرورش ایده تا خلق اثر معماری و ادراک آن یک مقوله چندبعدی است. باید اشاره کرد در حال حاضر دو دیدگاه نسبت به علم وجود دارد «علم بریده از حکمت و علمی که متصل با حکمت است (حکمت به طور کلی فهم وجود و فهم مبادی و اصول وجود است. حکیم کسی است که مبادی وجود را می‌فهمد و به مبادی کلی هستی پی می‌برد). ممکن است علم به این امور بی‌تفاوت باشد و اصلاً توجهی به اینها نداشته باشد. در واقع علوم جدید نسبت به این مبادی تقریباً بی‌تفاوت‌اند یا اصلاً توجهی ندارند» (اعوانی، ۱۳۹۰)؛ و این علوم منحصر آنچه را می‌داند که در بیشترین وجه هم افق با وی است (ندیمی، ۱۳۸۰، ۵۰)؛ اما از منظر اسلام، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس، فرایند خلق آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی می‌باشد. بنابراین دیدگاهی که همراه بودن معماری با حکمت و یا جدایی معماری از آن را مد نظر قرار می‌دهد؛ دو نقطه نظر متفاوت نسبت به جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری و محتوای اثر خواهند داشت و هدف غایی آنها در بیان معماری متفاوت خواهد بود؛ و این دیدگاه آنان بر کیفیت و اصالت آثار معماری نیز تاثیر جدی خواهد گذاشت که در این بخش، مبسوط به آن پرداخته می‌شود.

انسان به اعتبار اینکه خلیفه خداست و صورت الهی دارد؛ و خداوند صفت خلاقیت را به او عطا کرده است؛ می‌تواند صورت اشیا را به وجود آورد. مطالعات صورت گرفته در این پژوهش نشان داد خلق و آفرینش در انسان امری تدریجی بوده و در قالب سلسله‌مراتبی تحقق می‌یابد؛ لذا فرایند خلق آثار معماری ساختاری حساب شده و دقیق داشته باشد. به نظر می‌رسد اگر معمار شناخت مناسبی نسبت به فرآیند آفرینش الهی پیدا نماید؛ بالتبع شناخت فرآیند خلق و ادراک آثار معماری برای او راحت‌تر خواهد بود و این

معنا در فضا یا فرم معماری می‌نشیند. در روش معنا، خیال، معماری ایده طرح از برآیند و تعامل تجلی معنا در ایده خیالی و حوزه کمی معماری حاصل می‌شود که باعث دستیابی به نهفتگی، ارتقای کیفیت معماری و رسیدن به محصول متعالی‌تر می‌گردد (عظیمی، ۱۳۹۲).

در حوزه فرآیند خلق آثار معماری پژوهش‌هایی نیز به بسط این نظریات با ارائه جزئیات بیشتر پرداخته‌اند؛ و هریک از آنها بر بخش‌هایی از این فرآیند تمرکز یافته؛ و مولفه‌های موثر بر آن را با جزئیات بیشتر مطرح نموده‌اند. بیشتر این گونه پژوهش‌ها پیرامون مراحل آغاز فرآیند معماری تا ارائه پیش‌طرح‌های اولیه صورت گرفته است (رنجبر کرمانی ۱۳۸۸؛ خیراللهی ۱۳۸۹). از آنجا که رویکرد این پژوهش توجه به معرفت‌های حاصل شده از راه عقل و نقل در کنار هم بود. مروری بر دستاوردهای صاحب‌نظران سایر دیدگاه‌ها در حوزه فرایند خلق و ادراک آثار معماری صورت گرفت تا ضمن مد نظر قرار دادن آخرین دستاوردهای این حوزه، در صورت امکان از نتایج آنها در کنار نتایج استخراج شده از مبانی اسلامی بهره گرفته شود. اما مطالعات صورت گرفته نشان داد به دلیل تفاوت دیدگاه‌های نظری، عدم توجه توأمان به دو مرحله خلق و ادراک آثار معماری در ساختارها و مدل‌های ارائه شده از فرایند خلق و ادراک آثار معماری، همچنین عدم توجه به علت فاعلی و غایی شکل‌دهنده به آثار معماری بر پایه مبانی نظری مشخص در حوزه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، امکان بهره‌برداری از این بخش از مطالعات در ادامه پژوهش وجود نخواهد داشت.

بخش دوم مرور ادبیات موضوع نشان داد پژوهش‌های مختلفی در حوزه مساله این پژوهش بر اساس مبانی اسلامی صورت گرفته است که برخی از این پژوهش‌ها از نوع بنیادی بوده و مباحث کلان حوزه فرآیند خلق و ادراک آثار معماری را مطرح نموده‌اند و برخی دیگر بخش‌هایی از این فرآیند را مورد بررسی قرار داده و نتایجی ارائه نموده‌اند. مطالعات این بخش نشان از آن دارد کلیات ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی اسلامی تا حدی بازخوانی شده است و آن بخش که نیاز به پژوهش در آن ضروری است؛ تبیین ساختار و ارکان سازنده فرآیند خلق و ادراک آثار معماری و مراحل آن با جزئیات، بر پایه مبانی حکمت متعالیه است؛ تا مراحل کار از ابتدا تا انتها با هم دیده شود و محتوای هر



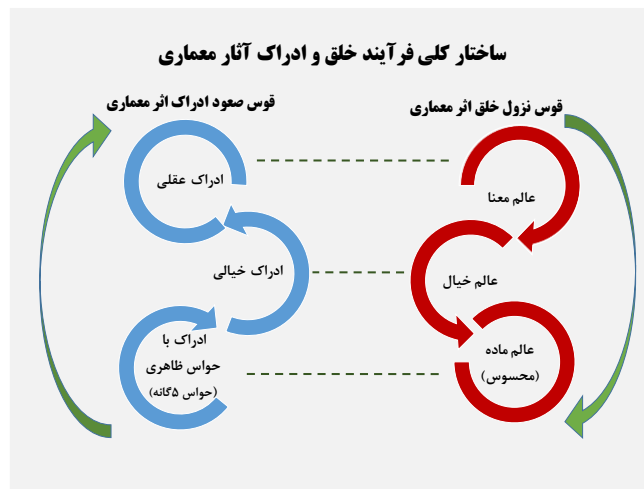


شناخت کمک می‌نماید تا آثار معماری خلق شده از کیفیت بهتری برخوردار باشند. حال سوال اصلی اینجاست که فرآیند خلق و ادراک آثار معماری با چه ساختاری و طی چه مراحل تحقق می‌یابد؛ و عوامل موثر بر ارتقای کیفیت این فرآیند کدامند و کدام مراحل این فرآیند می‌توانند تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند.

### ساختار کلی فرآیند خلق و ادراک آثار معماری

براساس دیدگاه حکمت متعالیه فرآیند آفرینش‌های انسانی، فعلیت و ظهور حقایق مراتب متعالی نفس در قوای مراتب پایین‌تر است که در نهایت در بدن جسمانی و در عالم ماده نمود می‌یابد و از خلال آن اثری محسوس و عینی، به وجود می‌آید. به عبارتی انسان در خلق آثار خود، یک سیر نزول از معنا به ماده را طی می‌کند و نفس انسان معنایی را که متناسب با مرتبه وجودی خویش است؛ «ابتدا به تعقل، و سپس نزولا به تخیل می‌آورد؛ یعنی از قوه تخیل معانی

کلی را به اشکال جزئی تمثیل می‌دهد (حسن‌زاده ۱۳۸۰ ج ۱، ۴۳). در ادامه این تجلیات پی در پی در مرتبه مادی نفس، یعنی بدن نمود پیدا می‌کند؛ و در نهایت همان معنا را به شکل آفریده‌ای محسوس در عالم ماده حاضر می‌سازد. این فرآیند همان فرآیند حرکت از معنی به ماده یا تجلی علم در عمل است. ادراکات مخاطب نیز در یک سیر صعودی شکل می‌گیرد که در آن فعلیات نفس که در قوای جسمانی او ظهور می‌یابند؛ مانند ادراکات حواس پنج‌گانه، یا اعمال اعضا و جوارح، خود بازتابی در نفس پیدا کرده و جوهر آن را تغییر می‌دهند؛ باید توجه داشت خالق اثر اولین مخاطب اثر است و تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد که این موضوع ناشی از رابطه‌ی ذاتی و ضروری میان نفس و بدن انسان است. بنابراین می‌توان مدل فرآیند خلق و ادراک آثار معماری را با الگوگیری از قوس نزول در آفرینش الهی به صورت اجمالی در قالب نمودار ۱ نشان داد.



نمودار ۱. ساختار کلی فرآیند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

خواهد شد تا به کمک آن بتوان شناخت مناسب‌تری از ساختار و مراحل فرآیند خلق و ادراک آثار معماری بدست آورد.

### تبیین رابطه انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری

بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه می‌توان گفت تناظری میان مراتب وجودی انسان و هستی با یکدیگر وجود دارد؛ و هرعالم یا مرتبه‌ای از وجود به واسطه نوع ادراکی که به آن تعلق دارد؛ شناخته می‌شود و سه مرتبه اصلی ادراک (ادراک حسی، خیالی و

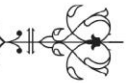
باید توجه داشت که مراتب شکل‌دهنده به این فرآیند متأثر از عوالم هستی و مراتب نفس انسان‌ها است که در تناظر دقیقی با یکدیگر قرار دارند؛ و در حقیقت همین تناظر است که امکان خلق و ادراک متقابل آثار هنری و معماری را به انسان‌ها می‌دهد؛ لذا قبل از بسط ساختار و مراحل این فرآیند و پرداختن به جزئیات ساختاری و چگونگی تحقق مرحله به مرحله آن، به تناظر میان مراتب نفس انسان هنرمند و عوالم هستی (محیط) اشاره نموده و بر اساس آن به تبیین رابطه انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری پرداخته



و فضایی را ایجاد می‌کنیم؛ چگونه انسانی است این امر هم نقش مهمی در معماری دارد. بالاخره انسان به تعبیر قرآن موجودی است که از اسفل‌السافلین تا اعلیٰ علیین می‌تواند ظهور داشته باشد. مخاطب معماری چگونه انسانی است؟! انسان مورد نظر هنر معنوی یک انسان به معنای انسان کامل، معنوی و الهی با تمام نیازهای اوست و بنابراین در واقع هنر سنتی به نفس انسان برای رسیدن به کمال معنوی کمک می‌کند. به تعبیر دیگر، هنر یا می‌تواند بازدارنده راه کمال معنوی باشد؛ یا می‌تواند به انسان در پیمودن کمال معنوی کمک کند و این امر بستگی به این دارد که ما چه هنری را به کار ببریم» (اعوانی ۱۳۹۰). لذا انسان هنرمند (معمار) باید با کسب ایمان و معرفت و عمل به آن (انجام عمل صالح)، طی حرکت جوهری مرتبه وجودی نفس خود را ارتقا دهد تا تمامی قوای ادراکی او بالفعل و تعامل حداکثری میان انسان و هستی برقرار گردد؛ و در نتیجه منشا الهامات او متعالی شده و زمینه خلق اثری شایسته فراهم گردد. به همین خاطر است که توصیه‌های بسیاری در آموزه‌های اسلامی در راستای مراقبت از ادراکات انسان که زمینه اتصال او به عوالم برتر و بستر ساز کمال وجودی اوست شده است. به عنوان نمونه گفته شده «آن که به نعمت مراقبت متعمّم است می‌داند که هرچه مراقبت قویتر باشد؛ تمثّلات و واردات و ادراکات و منامات زلال‌تر، و عبارات که اخبار برزخی‌اند، رساتر و شیواترند» (رک: حسن‌زاده آملی ۱۳۸۶، ۲۹). آنچه این پژوهش قصد دارد در این بخش به آن تاکید نماید؛ یک نگاه جامع به ساحت‌های وجودی انسان در طراحی فضای معماری است. زیرا نفس انسان دارای مراتب چهارگانه است و هر کدام از آنها سازنده بعدی از حیات او هستند. و همانطور که اشاره شد هدف زندگی انسان دستیابی به حیات طیّبه و در نهایت قرب الهی است و درنگرش اسلامی حیات طیّبه، باعنایت به جنبه‌های مختلف زندگی انسان و استقلال نسبی آنها از یکدیگر، در بردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با هم، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌سازند و نباید از توجه مناسب به هیچ یک از این شئون غافل شد. لذا با تسری این مفهوم به معماری، که ظرف و بستر زندگی انسان است؛ باید نتیجه گرفت که نباید هیچ بعدی از وجود انسان را در طراحی فضای معماری نادیده گرفت. بنابراین بر اساس مبانی حکمت متعالیه تناظر دقیق و معناداری میان مراتب نفس انسان و ساحت ادراکی او با مراتب هستی وجودی

(عقلی)، دقیقاً بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی هستند (عوالم محسوس، مثال و عقول)؛ منطبق می‌باشد؛ و وجود این ظرفیت است که به انسان این توان را می‌بخشد که با تصور عوالم برتر هستی در درون خود به بازآفرینی آنها در بستر هنر و معماری بپردازد. البته دستاوردهای مطالعات نظری این پژوهش و یافته‌های مستخرج از آنها نشان داد در یک تعریف دقیق بر اساس دیدگاه اسلامی باید برای نفس انسان چهار ساحت (نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی، و ملکه الهی) و چهار مرتبه نیاز (مادی، روانی، عقلانی، و روحانی) قائل شد. همچنین نشان داده شد فضای معماری می‌تواند قابلیت هماهنگی با هر چهار ساحت نفس انسان و بسترسازی برای پاسخگویی به نیازهای چهارگانه او را داشته باشد.

بنابر آنچه اشاره شد؛ فضای معماری در ظاهر و باطن می‌تواند قابلیت‌هایی متناظر با مراتب نفس انسان و عوالم هستی داشته باشد و به انسان کمک نماید تا با استفاده از قابلیت‌های ادراکی خود (حس، خیال، عقل، شهود) شناخت و معرفت مناسبی از هستی پیدا کند و بستر پاسخگویی به نیازهای چهارگانه متناظر با مراتب نفس خود را (مادی، حسی روانی، عقلانی و روحانی) متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی فراهم آورد. آنچه در این مقوله حائز اهمیت است و نباید مورد غفلت واقع شود؛ سطح معرفت معمار و مرتبه ادراک او از هستی است؛ زیرا او به‌عنوان یک انسان متناسب با اینکه نفس او در چه مرتبه وجودی باشد؛ ادراکی نسبت به هستی پیدا نموده که منشأ الهامات او شده پس هر اندازه معمار به‌عنوان خالق اثر معماری دارای مرتبه وجودی بالاتری باشد؛ درک عمیق‌تری از خلقت هستی مراتب آن، انسان و قوای آن بدست خواهد آورد و الهامات او متعالی‌تر می‌شود؛ و تجلی این الهامات در آثار او قابل مشاهده خواهد بود. بنابراین اثر معماری نیز دارای یک مرتبه وجودی متناسب با مرتبه نفس معمار و منشأ الهام او خواهد بود؛ و به همین نحو، هر قدر مخاطب معرفت و مرتبه وجودی بالاتری داشته باشد؛ مفاهیم متجلی شده در اثر معماری را با استفاده از ابزار ادراکی خود بهتر بازخوانی (تاویل) و فهم می‌نماید. اعوانی در این باره بیان می‌کند «این امر که انسانی که به هنر می‌پردازد چگونه انسانی است در معماری امر مهمی است. آیا انسانی معنوی است که عالم را معنوی و الهی می‌بیند و یا این گونه نیست. همچنین این امر که انسانی که برای او معماری



به تبع آن زمینه رشد و تعالی او و ارتباط با حضرت حق را مهیا نماید و به هر میزان در تحقق این امر موفق باشد؛ دارای مرتبه وجودی بالاتری خواهد بود. جهت جمع‌بندی و کاربردی نمودن نتایج این بخش درباره انسان، هستی و معماری و رابطه و تناظر مراتب وجودی آنها بر اساس دیدگاه اسلامی از یک جدول چهاربخشی، که متناظر با مراتب چهارگانه نفس انسان تنظیم شده، استفاده شده است (جدول ۱).

دارد و انسان برای پاسخگویی به خواست‌ها و نیازهایش با هستی (محیط پیرامون خود) تعامل می‌نماید و فضای معماری این قابلیت را دارد تا به‌عنوان یک واسطه، بستری برای تعامل و پاسخگویی به نیازهای انسان برقرار نماید. لذا معماری شایسته از منظر اسلام باید در ظاهر و باطن قابلیت‌هایی متناظر با مراتب وجودی نفس انسان و مراتب هستی داشته باشد و بستر اغنای نیازهای چهارگانه نفس انسان را متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی فراهم آورده و

جدول ۱. تبیین سطوح تعامل انسان و هستی و بازتاب آن در معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه

نوع و سطح تعامل انسان و هستی	معماری		هستی	انسان		
	سطوح قابلیت فضای معماری	مرتبه اثر معماری	مرتبه هستی منشأ الهام معماران	ابزار ادراکی	نیازهای انسانی	مرتبه نفس
انسان محاط در عالم ملک (نوع ارتباط جبری است)	بستر سازی برای اغنای نیازهای مادی و فیزیولوژیک	مرتبه ۱: فضای فیزیولوژیک	عالم ملک (عالم طبیعت)	قوای نباتی	نیازهای مادی و فیزیولوژیک	نامی نباتی (رشدکننده گیاهی)
انسان محاط در عالم ملک و گاهی در ارتباط با عالم خیال متصل، متناسب با مرتبه وجودی‌اش (نوع ارتباط جبری است)	بستر سازی برای اغنای نیازهای روانی فردی، خانوادگی و اجتماعی	مرتبه ۲: فضای روانی	عالم ملک و عالم مثال مقید (خیال متصل)	حس و خیال	نیازهای روانی	حسی حیوانی (حس‌کننده حیوانی)
انسان محیط بر عالم ملک و گاهی در ارتباط با عالم ملکوت (خیال منفصل) و عالم عقول مجرد، متناسب با مرتبه وجودی‌اش (نوع ارتباط اختیاری است)	بستر سازی برای اغنای نیازهای عقلی - شناختی	مرتبه ۳: فضای عقلانی	عالم ملکوت (مثال) (خیال منفصل) و عالم جبروت اسفل (عقول مجرد)	عقل	نیازهای عقلانی	ناطقه قدسی (تدبیرگر قدسی)
انسان به عنوان خلیفه الله محیط بر عوالم هستی (ملکوت و جبروت) (نوع ارتباط اختیاری است)	بستر سازی برای اغنای نیازهای روحانی و معنوی با توجه به هنر و زیبایی	مرتبه ۴: فضای روحانی	عالم جبروت اعلی (اعلی علیین)	قلب	نیازهای روحانی	کلی الهی (ملکه الهی)

### بازخوانی فرآیند خلق آثار معماری

بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه فرآیند خلق آثار معماری مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ بنابراین نگارنده با کمک مطالعات مبسوط صورت گرفته در این حوزه (ر.ک: تقدیر ۱۳۹۳، ۵۱) مطرح می‌نماید که می‌توان ساختار این فرآیند را با کمک ساختار فرآیند خلق عالم هستی بازخوانی نمود. در توضیح مراتب آفرینش اثر معماری با الگوگیری از مراتب خلق عالم هستی می‌توان گفت معماری مبتنی بر یک فرآیند تکوینی از مرحله معنا (مفهوم) تا صورت (کالبد) شکل می‌گیرد؛ و رابطه معنا و صورت در اثر معماری یک رابطه به هم تنیده است. برای توضیح این رابطه

در اینجا لازم به یادآوری است از دیدگاه حکمت متعالیه نفس انسان از ابتدای وجود خود درجات متعددی را می‌پذیرد و با حرکت جوهری اطوار مختلف وجودی را سپری می‌کند. بنابراین نفس انسان دارای مراتب طولی متعددی است که هر یک کامل تر از مادون خود می‌باشد؛ و یافتن مراتب عالی به معنای از دست دادن مراتب مادون و کمالات مربوط به آنها نیست؛ بلکه هرمرتبه متمم مرتبه قبلی است. به همین دلیل سیر انسان را از ظاهر به باطن، از صورت به معنا و از کثرت به وحدت تعبیر می‌شود؛ و از مفهوم صبرورت یعنی ارتقای مرتبه وجودی در حکمت متعالیه بحث می‌شود.





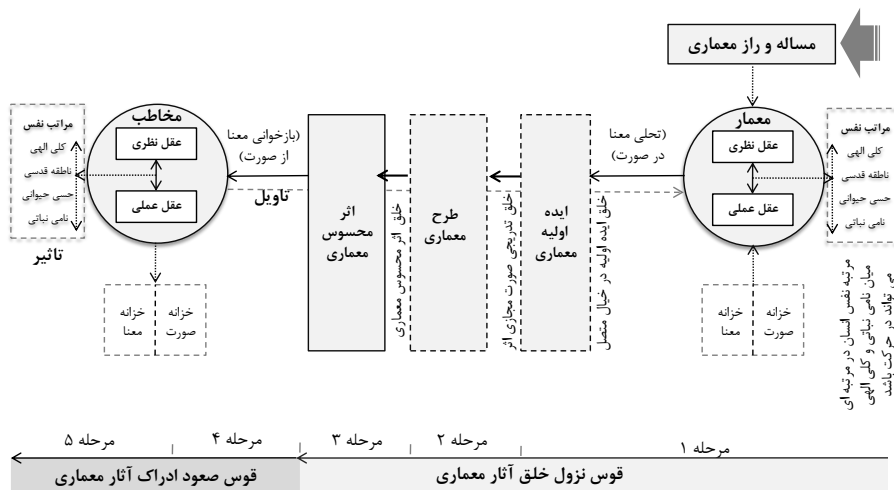
در اصل هر دو متاثر از برآیند علم و عمل او می‌باشد؛ و انگیزه او را در شروع این فرایند جهت‌دهی می‌کنند.

اگر در معمار قوه متصرفه را وا همه یا نفس حیوانی به کار گیرد و در صور و معانی جزئی تصرف کند؛ این قوه «متخیله» نامیده می‌شود و اگر در استخدام عقل و نفس ناطقه قرار گیرد و عقل به کمک آنها به تعریف و استدلال بپردازد؛ به آن «متفکره» گفته می‌شود. در اصل جهت فرایند خلق اثر معماری وابسته به جهت‌گیری قوه متصرفه است؛ و به هر میزان قوه متصرفه در اختیار نفس حیوانی انسان قرار گیرد کیفیت آثار معماری پایین‌تر، و بالعکس به هر میزان قوه متصرفه در اختیار نفس عقلانی انسان قرار گیرد؛ کیفیت آثار معماری بهتر خواهد بود.

با مد نظر قرار دادن ساختار کلی ارائه شده از فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس قوس نزول خلق و قوس صعود ادراک (نمودار ۱) و یافته‌های این بخش پیرامون بازخوانی مراحل خلق آثار معماری می‌توان ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری و مراحل آن را در قالب یک مدل به صورت نمودار ۲ نشان داد. در این نمودار به شکلی ساده ساختار و مراحل این فرایند نشان داده شده است.

می‌توان به رابطه روح و کالبد اشاره کرد. ملاصدرا روح را محصول حرکت جوهری کالبد می‌داند؛ این به آن معنا نیست که روح معلول کالبد است. بلکه کالبد تنها شرایط ظهور روح را فراهم می‌کند؛ روح در پیدایش و ظهور نیازمند زمینه مادی است؛ اما در بقا و دوام مستقل از ماده و شرایط مادی است؛ ماده تنها زمینه حلول روح را فراهم می‌سازد.

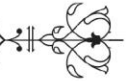
با مد نظر قرار دادن این تعریف می‌توان اظهار داشت که مفهوم یا همان معنا بر مصداق یا همان کالبد تقدم دارد؛ البته این تقدم به معنای نفی مصداق نخواهد بود؛ چرا که مصداق یا کالبد می‌بایست به نحوی تجلی گردد که زمینه ظهور معنا را به نحوی شایسته فراهم سازد (ر.ک: آشتیانی ۱۳۸۰، ۵۷). همچنین باید توجه داشت از آنجا که فعلیت و حیات نفس به معارف است و انسان جز علم و عملش نیست و آن دو با نفس اتحاد وجودی دارند؛ پس معنای ظهور یافته در اثر معماری انعکاس مرتبه وجودی هنرمند است که صورتی مادی پیدا نموده است. لذا عامل اصلی در کیفیت آثار معماری هم بیش از هر چیز مرتبه نفس معمار است که غنای محتوای خزانه‌ی صورت و معنا در نفس او به آن وابسته است؛ و



نمودار ۲. ساختار و مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه

محسوس معماری، ادراک اثر معماری و مرحله تحول نفس ناطقه انسان مخاطب است. البته برای بسط این ساختار با جزئیات بیشتر و تبیین چگونگی تحقق مراحل آن لازم است ابتدا شناختی نسبت به خزانه معنا و صورت در نفس انسان صورت گیرد.

نکته مهمی که در این مدل به آن توجه شده است؛ توجه توأمان به مرحله خلق و ادراک آثار معماری است که شامل مرحله مواجهه با مساله معماری توسط نفس ناطقه معمار، شکل‌گیری ایده اثر معماری، شکل‌گیری صورت مجازی اثر معماری، شکل‌گیری اثر



### خزانه معنا و صورت در نفس معمار

هر انسانی متناسب با مرتبه وجودی نفس خویش سطحی از تعامل با عوالم هستی برقرار می‌نماید و به سبب آن و بواسطه قوای ادراکی خود مجموعه‌ای از معانی و صورت‌ها در نفس خویش ذخیره می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت اگر ظرفیت حداکثری در خزانه معنا و صورت محقق شود؛ خزانه معنا دارای چهار سطح کیفیت (معانی دریافت شده از عالم طبیعت، عالم خیال، عالم عقول مجرد و معانی ترکیب شده توسط قوه متصرفه) و خزانه صورت دارای سه سطح کیفیت (صورت‌های دریافت شده از عالم طبیعت، عالم مثال و صورت‌های ترکیب شده توسط قوه متصرفه) خواهد بود (ر. ک: تقدیر ۱۳۹۶، ۶۰).

لازم به تذکر است زمانی که معمار دید جامعی به عوالم هستی نداشته و محیط پیرامون خود را به عالم طبیعت (ملک) محدود نماید و تنها با آن در تعامل باشد این خزانه از حداقل ظرفیت خود برخوردار خواهد بود. به گفته ملاصدرا قوه متصرفه انسان می‌تواند قوه حافظه و خیال را به استخدام خود درآورد؛ در معانی و صور جزئی موجود در آنها تصرف کند و به تجزیه و تحلیل یا ترکیب آنها بپردازد. بدین‌سان، متصرفه با اشراف بر خزانه صور و معانی، از راه تجزیه و تحلیل آنها، صورت‌های نوینی می‌آفریند و حس مشترک را در معرض مشاهده و درک آنها قرار می‌دهد. بدین‌سان، عقل یا وهم با به کارگیری قوه متصرفه، به حجم گسترده‌ای از صور و معانی دست می‌یابد. البته باید توجه داشت «انسان با قوه خیال خود می‌تواند حتی بدون الگوبرداری از داده‌های حواس، صورت‌هایی خلق کند که از هر جهت شبیه آفرینش ابداعی خداوند باشد» (ارشد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰، ۱۷)؛ که از اینگونه خلق در انسان با عنوان «تخیل خلاق» نامبرده می‌شود (ر. ک: نامور مطلق ۱۳۸۴، ۲۰۸).

### رابطه خزانه معنا و صورت با کیفیت خلق آثار معماری

خلق و آفرینش در حوزه هنر و معماری در سطحی متناسب با مرتبه نفس انسان و غنای خزانه صورت و معنا در او انجام می‌گیرد و این امر زمینه‌ساز کیفیات مختلف در آثار خلق شده هنری و معماری می‌گردد؛ البته در کنار غنای خزانه صورت و معنا، توانمندی و استعداد ذاتی انسان نیز در کیفیت شکل‌گیری خلق و آثار خلق شده تاثیر به‌سزایی دارد. در یک طبقه‌بندی اجمالی می‌توان چگونگی خلق آثار معماری را با توجه به توانمندی‌های

انسان هنرمند در دو سطح کلی تقسیم نمود. سطح ۱: در این سطح هنرمند در آفرینش خود تنها به بازنمایی معانی و صورت‌های دریافت شده که در خزانه نفس خود دارد می‌پردازد. سطح ۲: در این مرتبه هنرمند با جستجو و ترکیب داده‌های موجود در خزانه صورت و معنا اقدام به خلق می‌نماید. این نوع خلق است که با نوآوری همراه است. در هر دو سطح آنچه سبب کیفیت متفاوت در همان سطح از خلقت می‌شود؛ کیفیت تعامل انسان هنرمند با عوالم هستی (محیط) است. البته به گفته پژوهشگران خلاقیت و نوآوری در کار هنرمندان بیشتر در سطح دوم محقق می‌شود و باعث می‌شود آثار خلق شده صورت‌هایی داشته باشند که برای همگان آشنا نیست (ر. ک: نامور مطلق ۱۳۸۴، ۲۰۸).

با توجه به دستاوردهای این پژوهش می‌توان گفت کیفیت آثار معماری در دو بخش قابل بررسی است. در بخش یک که حوزه محتوا است؛ کیفیت تا حد زیادی وابسته به مرتبه نفس معمار و غنای خزانه معنا و صورت در آن است که امری اکتسابی است و معمار باید از طریق بالفعل‌سازی قوای عقل نظری و ظرفیت‌های عقل عملی (با تهذیب نفس، تهذیب باطن، تزکیه، و...) در ارتقای مرتبه وجودی خویش و دستیابی به معانی و صورت‌های ماوراء عالم طبیعت (ملک) همت نماید. اما در بخش دوم که مربوط به ارائه محتوا در قالب آثار هنری و معماری است معمار نیاز به مجموعه‌ای از استعدادهای ذاتی و فراگیری مهارت‌های تخصصی دارد.

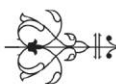
### مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل موثر

#### بر کیفیت آن بر اساس مبانی حکمت متعالیه

#### مرحله اول: شکل‌گیری ایده

مرحله اول شروع قوس نزول خلق آثار معماری است و در آن ایده اولیه معماری شکل می‌گیرد. که به آن کانسپت<sup>۷</sup> (ایده مفهومی) معماری نیز گفته می‌شود. این ایده مانند بذری است که قابلیت‌های زیادی در آن وجود دارد و معمار متناسب با توانایی‌ها و مهارت‌های خود می‌تواند آنها را شکوفا نماید و کیفیت خلق آثار معماری تا حد زیادی متأثر از این ایده و کیفیت این ایده متأثر از مرتبه نفس معمار است. به همین دلیل مهم‌ترین عامل موثر بر کیفیت ایده اولیه معماری و به تبع آن کیفیت اثر معماری خلق شده مرتبه نفس معمار است.





### مرتبۀ نفس معمار

مرتبۀ نفس انسان نتیجه تحقق عقل نظری و عقل عملی و تعامل میان این دو است که یکی مبدا ادراک و علم انسان و دیگری مبدا عمل و اخلاق اوست و این دو همواره در یک رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر هستند و بر هم تأثیرگذارند (ر.ک: تقدیر ۱۳۹۳، ۱۲۵). به عبارتی مرتبۀ نفس انسان برآیند حاصل از تعامل علم و عمل اوست و او متناسب با آن کسب معرفت می‌نماید؛ و مبانی نظری خود نسبت به انسان و هستی و مراتب هریک را شکل داده است. در حقیقت سطح معرفت معمار است که انگیزه او را شکل می‌دهد؛ و جهت‌گیری فرایند خلق آثار معماری را مشخص می‌نماید. زیرا نفس انسان مختار است و می‌تواند در مرتبۀ ای بین مرتبۀ نباتی تا مرتبۀ کلی الهی (که همان مرتبۀ انسان کامل است)؛ قرار گیرد. و در واقع انگیزه معمار که همان نیت اوست؛ عامل اصلی جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری است. علاوه بر این مرتبۀ وجودی انسان است که سطح تعامل او با هستی را مشخص می‌کند و همان‌گونه که اشاره شد هرچه این مرتبۀ متعالی‌تر باشد؛ خزانه معنا و صورت در نفس او غنی‌تر خواهد بود و به همان میزان و متناسب با استعداد معمار، کیفیت آثار معماری خلق شده نیز بالاتر خواهد بود. همانطور که گفته شد زمانی کاملترین خزانه صورت و معنا شکل می‌گیرد که معمار به مرتبۀ انسان کامل رسیده باشد و بتواند حداکثر تعامل با عوالم هستی را داشته و به احصا و ادراک متعالی‌ترین معانی نایل آید. که این مبانی بر اساس مبانی حکمت متعالیه اسما و صفات الهی هستند. زیرا در حقیقت تمام هستی تجلی خداوند هست (اصل توحید)؛ و اسما و صفات الهی واسطه میان ذات و مصنوعات او می‌باشند (طباطبایی بی‌تا ج ۱۶، ۲۶۷).

### مرحله دوم: شکل‌گیری طرح معماری

بنابر آنچه اشاره شد نفس ناطقه انسان در شروع فرایند خلق آثار معماری به‌وسیله قوه متصرفه با مراجعه به خزانه معنا و صورت فراهم

شده در نفس خود، ایده اولیه‌ای برای خلق فضای معماری در قوه خیال خود می‌آفریند که این ایده نیاز به بسط و تکمیل برای رسیدن به طرح معماری (صورت مجازی آثار) خواهد داشت. در این مرحله از فرایند، معمار سعی می‌کند ایده معماری خود را با توجه به مخاطب و نیازهای او، بستر قرارگیری، و شرایط زمانی و مکانی آن تکمیل نماید. حال در این قسمت دو سوال مهم مطرح می‌شود. سوال اول: انسان که خالق و مخاطب آثار معماری است چه ظرفیت‌ها و چه نیازهایی دارد و غایتی که برای آن خلق شده چیست؟ سوال دوم: معمار، معماری، اجزا و مقوله‌های سازنده آن را چگونه تعریف می‌کند؟

پاسخ به این سوال‌ها برگرفته از مبانی نظری معمار نسبت به مقوله‌های انسان‌شناسی، خداشناسی و هستی‌شناسی است؛ و این مبانی جهت‌دهنده به فرایند خلق و ادراک آثار معماری خواهند بود.

### تعریف انسان، ظرفیت‌ها و نیازهای او بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز مکاتب فکری، تعریف آنها از انسان و نیازهای او می‌باشد. می‌توان گفت از منظر اسلامی انسان یک حقیقت است که دارای مراتب گوناگون می‌باشد؛ و بدن چیزی جز مرتبۀ نازل نفس نیست؛ و انسان برحسب فطرت و آفرینش خود، جویای همه مراتب کمال (تا حد بینهایت) است. نفس انسان دارای مراتبی چهارگانه است شامل: نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی، و کلی الهی. و متناسب با آن دارای چهارگونه نیاز که عبارتند از: نیازهای مادی و فیزیولوژیک، نیازهای روانی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، نیازهای عقلانی و نیازهای عالی روحی (روحانی). این نیازها و نتایج پاسخگویی به آنها که در جدول ۲ معرفی شده‌اند.

جدول ۳. مدل جامع از نیازهای انسان بر اساس دیدگاه اسلامی

نمونه‌هایی از نیازهای متناظر	نتیجه حاصل از پاسخگویی به نیاز	مرتبۀ نیاز انسان
خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت فیزیکی، غریزه جنسی	رشد و نمو	نیازهای مادی و فیزیولوژیک
نیازهای فردی و خانوادگی: شادی، آرامش، امنیت روانی، نیازهای اجتماعی: معاشرت، مبادله، تعاون، احترام، عزت نفس، محبت	خشنودی	نیازهای روانی





ادامه جدول ۳. مدل جامع از نیازهای انسان بر اساس دیدگاه اسلامی

نمونه‌هایی از نیازهای متناظر	نتیجه حاصل از پاسخگویی به نیاز	مرتب‌بندی نیاز انسان
حق‌جویی مانند: شناخت واقعیت‌ها و حقایق. پی بردن به استعدادهای بالقوه انسان، تکامل فردی، شناخت ماهیت خویش، فراگیری علم فضیلت‌خواهی مانند: عدالت، حریت زیبایی طلبی	حکمت و نزاهت (تشخیص و درک خوبی‌ها و بدی‌ها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها، خیر و شر)	نیازهای عقلانی
پرستش و میل به حقیقت و زیبایی مطلق (ذات باری تعالی)	رضایت و تسلیم در برابر خداوند	نیازهای روحانی

### تعریف اجزا و مقوله‌های سازنده معماری بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه

از منظر این پژوهش بر اساس مطالعات صورت گرفته یکی از روش‌های مناسب در معرفی اجزا و مقوله‌های سازنده معماری، استفاده از مقوله‌های فلسفی است که این رویکرد سابقه بسیار طولانی در حوزه معماری دارد (ر.ک: کاپن ۱۳۸۳). بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه مقولات نه‌گانه اند عبارتند از: این (مکان)، زمان، کم، کیف، اضافه، وضع، ان یُفعل، ان یُنْفَعْل، مُلک که مشابه همان مقولات نه‌گانه ارسطویی هستند؛ اما از آنجا که در بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تبیین مقوله‌های معماری سعی شده در جهت تسهیل فهم و کاربردی نمودن این مقوله‌ها تعداد آنها کاسته شود. در پژوهش حاضر نیز همسو با سایرین از شش مقوله اصلی در تبیین مقوله‌های معماری استفاده شده است. مقوله‌های شش‌گانه معماری در جدول ۳، در تناظر با مقوله‌های فلسفی معرفی شده‌اند.

از آنجا که قابلیت‌هایی که معمار در خلق آثار خود ایجاد می‌نماید همواره تحت تاثیر تعریف او از انسان و نیازهایش می‌باشد؛ توجه به تمامی مراتب نفس و نیازهای چهارگانه انسان نقش مهمی در ارتقای کیفیت خلق آثار معماری خواهد داشت.

مدل‌ها و طبقه‌بندی‌های ارائه شده از نیازهای انسان برای فرایند خلق و ادراک آثار معماری چارچوب مناسبی را فراهم می‌آورند؛ و هر قدر مدل ارائه شده از انسان کامل‌تر باشد؛ امکان خلق فضای معماری مناسب‌تری را فراهم می‌آورد. (ر.ک: تقدیر ۱۳۹۳، ۲۱).

با توجه به تمرکز جهان امروز بر جنبه مادی و حداکثر روانی حیات انسان و نیازهای متناظر با آنها و تأثیری که این تفکر بر معماری جهان نهاده است؛ می‌توان با توجه به ساحات حیات و نیازهای مغفول‌مانده متناظر با آنها در انسان گامی موثر در جهت‌دهی مناسب به فرایند خلق و ادراک آثار معماری برداشت و جهت‌گیری این فرایند را به سمت وضعیت شایسته هدایت نمود.

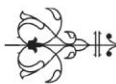
جدول ۳. معرفی مقولات شش‌گانه معماری در تناظر با مقولات فلسفی

مقوله‌های فلسفی	مقوله‌های معماری
کمیت	فرم (صورت، شکل، الگو، ساختارهندسی، و...)
فعالیت	کاربرد (عملکرد، پاسخگویی به نیازها، تاثیرات، تبادل و...)
کیفیت	معنا (محتوا، مفاهیم و...)
ماده	طرح و ساخت (مصالح، ساخت، و...)
رابطه	بافت و پیوستگی (رابطه ساختمان با محیط طبیعی و مصنوعی)
اراده (فاعل بودن)	روحیه و اراده (نیت، انگیزه، دیدگاه سازندگان)

می‌شوند. لذا معانی و مفاهیمی که این مقوله‌ها با توجه به آنها شکل می‌گیرند از اهمیت بسزایی برخوردار خواهند بود. با این توصیفات می‌توان گفت برای خلق آثار معماری شایسته، دستیابی به معانی و مفاهیم متعالی و ظهور آنها در مقوله‌های سازنده

باید توجه داشت این مقوله‌های اجزای سازنده اثر معماری هستند و بر اساس مبانی حکمت متعالیه معانی تجلی‌یافته در صورت‌ها می‌خواهند در نهایت شاکله معماری را در قالب این مقوله‌ها محقق سازند؛ زیرا موجودات در عالم ملک با این عوارض شناخته





بنابر آنچه گفته شد؛ در این مرحله معمار به بسط ایده معماری می‌پردازد. یعنی ایده خود را با مد نظر قرار دادن نیازهای مخاطب، مجموع شرایط زمانی و مکانی، احکام اولیه و ثانویه، اخلاقیات و حقوق اسلامی (به‌عنوان متغیرهای ثابت) در قالب مقوله‌های معماری که عناصر سازنده اثر معماری هستند (متغیر وابسته) شکل می‌دهد؛ و آن را به صورت طرح معماری (صورت مجازی اثر) آماده می‌نماید.

### مرحله سوم: ایجاد اثر مادی و محسوس معماری

بعد از تکمیل طرح معماری در قالب صورت مجازی اثر یا همان نقشه‌های آثار معماری، نوبت به ایجاد آثار معماری در عالم طبیعت می‌گردد. در تمامی مراحل اجرای اثر معماری، معمار دو وظیفه مهم بر عهده دارد. وظیفه اول اینکه او باید مجموع شرایط زمانی و مکانی بستر اثر را کامل شناخته و آنها را مد نظر قرار دهد؛ و وظیفه دوم، توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اسلام در حوزه احکام اولیه و ثانویه، اخلاقیات و حقوق است بنابر آنچه شرح داده شد به طور کلی فرایند خلق آثار معماری در سه مرحله اصلی شکل می‌گیرد. خلق ایده معماری، شکل‌گیری طرح معماری، و ایجاد اثر مادی و محسوس معماری در عالم طبیعت. حال در ادامه به توضیح فرایند و مراحل ادراک آثار معماری پرداخته می‌شود.

### مرحله چهارم: ادراک اثر معماری

فرایند ادراک اثر معماری زمانی شروع می‌شود که مخاطب در مواجهه با آثار معماری قرار می‌گیرد؛ و شروع به تاویل و بازخوانی معنای نهفته در باطن آثار می‌نماید. در این مرحله، یک‌بار دیگر مهم‌ترین عامل در رمزگشایی، مرتبه نفس انسان مخاطب می‌شود؛ زیرا همانطور که توضیح داده شد؛ انسان متناسب با مرتبه نفس اش خزانه‌ای از معنا و صورت در نفس خود پدید می‌آورد. بنابراین هرچه خزانه غنی‌تر باشد؛ بازخوانی معانی باطنی آثار معماری برای مخاطب سهل‌تر و صحیح‌تر صورت می‌گیرد. در اینجا بازخوانی یک رابطه می‌تواند در توضیح مراتب ادراک آثار معماری توسط مخاطب راهگشا باشد؛ و آن توضیح رابطه میان هنرمند، آثار هنری و مخاطب است. یکی از مدل‌های کاربردی در این حوزه بر اساس مبانی اسلامی مدل هم‌زمانی نسبی میان

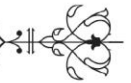
معماری با مد قرار دادن نیازهای چهارگانه انسان متناسب با امکانات و محدودیت‌های بستر طرح دغدغه اصلی نفس خلاق انسان خواهد بود.

### جایگاه بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب

یکی دیگر از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عوامل، بر جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری و کیفیت‌بخشی به آن در مرحله تکمیل ایده طراحی و آماده‌سازی طرح معماری و همچنین در اجرای آثار معماری توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب است؛ که بنابر شالوده نظری این پژوهش جامع‌ترین مکاتب، مکاتب الهی و کاملترین آن هم اسلام است. لذا همانطور که در طول این پژوهش به مبانی نظری (حکمت نظری) مکتب اسلام تاکید شد و ساختار و فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر پایه آن تبیین شد. در این مرحله نیز لازم است حکمت عملی اسلام در کنار آنها مورد توجه قرار گیرد. این بایدها و نبایدها در طیفی پنج‌مرحله‌ای به صورت مستحب، حلال، مباح، مکروه و حرام، تعریف شده‌اند. و طیف شمول آن شامل سه حوزه احکام، اخلاقیات و حقوق است.

در این مرحله تصمیم‌سازی صرفاً نباید بر مبانی تخصصات مورد نظر کارفرما، معمار و مخاطب آثار باشد؛ بلکه همان‌طور که اشاره شد در نگرش اسلامی که نگرشی توحیدی به هستی است؛ دستگامی که آثار معماری در آن خلق می‌شود؛ دارای هدف متعالی است و بسیار وسیع تعریف می‌گردد. به گونه‌ای که از یک طرف تمام عوالم هستی (مراتب وجود) و از طرف دیگر تمامی ساحت‌های وجود انسان و نیازهای چهارگانه او را فرا می‌گیرد؛ و سعی می‌نماید بستری برای حیات طیبه انسان و در نهایت آماده‌سازی او به سوی هدف نهایی اش که قرب الهی است فراهم آورد. چنین نگرشی به دنبال خلق آثاری است تا در آن بستری فراهم گردد تا هرچه بیشتر انسانها را ترغیب نماید تا احکام دین را جاری، حقوق انسان نسبت به خدا، خود، خانواده، همسایه، هم محله و سایر انسان‌ها، سایر جانداران، محیط زیست، و... را به رسمیت شمارد؛ و اخلاقیات را در زندگی، ساری و جاری نمایند. زیرا در مبانی اندیشه اسلامی عمران و آبادانی فضای زندگی انسان‌ها زمینه‌ساز ارتقای مرتبه‌ی وجودی انسان‌ها و احیای آنهاست.





هنرمند، آثار هنری و مخاطب است. این دیدگاه با طرح موجودیت فطری، ثابت و بالقوه انسان و پذیرش هویت بالفعل، متغیر و تربیت‌پذیر انسان، رابطه هنرمند، آثار هنری و مخاطب را تبیین می‌نماید و مطرح می‌کند هنرمند و مخاطب ابتدا یک رابطه ذاتی و فرازمانی و مکانی دارند؛ چون فطرت انسانی مشترک دارند. و در رابطه دیگر هر یک وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی خود و تحت تأثیرات آن می‌باشند که متغیر و تربیت‌پذیر است.

بر اساس نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌توان مدل هم‌زمانی نسبی میان هنرمند، آثار هنری و مخاطب را با مبانی حاصل از حکمت متعالیه به گونه‌ای دیگر نیز تبیین نمود. آنچه این مدل بر آن تأکید دارد حول محور دو اصل است. اصل اول هم‌زمانی هنرمند و مخاطب به سبب رابطه فطری و ذاتی و فرازمانی و مکانی آنهاست؛ و اصل دوم امکان وجود سطوح مختلف و متفاوت ادراک در هنرمند و مخاطب است.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش گفته شد که مرتبه وجودی نفس انسان و خزانه معنا و صورت شکل گرفته در نفس او مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار هنری اعم از معماری و سایر هنرها است؛ و نفس ناطقه انسان مسئولیت این رمزگذاری و رمزگشایی را با تکیه بر آن انجام می‌دهد. بنابراین، می‌توان این مدل را این گونه توضیح داد که بخش هم‌زمانی معنایی منشا گرفته از سطوحی از داده‌های خزانه صورت و معناست که، حاوی دریافتهایی مشترک از عوالم مافوق طبیعت و یا اشتراکات موجود در عالم طبیعت بوده‌اند؛ و بخشی که سبب تفاوت ادراک در انسان‌ها شده است مربوط به آن دسته از صورت‌ها و معانی دریافت شده از عالم طبیعت (ملک) است که گاه در شرایط مختلف زمانی و مکانی ذخیره شده‌اند؛ یا مربوط به آن دسته از معانی و صورت‌ها هستند که به دلیل تفاوت مرتبه وجودی نفس انسان هنرمند و مخاطب، متفاوت از هم و متناسب با سطح تعامل آنها با عوالم مافوق طبیعت در آنها ذخیره شده است.

بنابراین می‌توان گفت که از منظر مبانی اسلامی، کالبد یا متن اثر معماری نقش مهمی در تعامل میان انسان هنرمند و مخاطب بر عهده دارد و معانی از طریق صورت‌ها منتقل می‌شوند. البته باید توجه داشت که برداشت‌هایی که از یک اثر معماری صورت

می‌گیرد متناسب با مرتبه وجودی مخاطب و قدرت درک و فهم آنها از صورت اثر، متناسب با خزانه معنا و صورت در نفس آنهاست؛ و از این روست که «مراتب فهم اشخاص، متفاوت است و در برخورد با حقایق، هر کسی می‌تواند فقط به اندازه فهم و میزان ادراک خود از آنها بهره‌مند گردد. باید توجه داشت که مراتب متفاوت یک حقیقت به وحدت آن لطمه وارد نمی‌سازد و یک حقیقت می‌تواند تجلیات گوناگون داشته باشد» (ابراهیمی دینانی ۱۳۷۹، ۲۰) بر پایه آموزه‌های اسلامی، فهم های مخاطبان مختلف یک اثر [مبتنی بر ساحت‌های عقلانی و روحانی آنها] در رابطه‌ای طولی و وحدت‌گرا قرار می‌گیرند؛ برخلاف رویکردهای معاصر غربی، که از نظر آنها این فهم‌ها، مجموعه‌ای وحدت‌گرایز و متکثر را تشکیل می‌دهند و در رابطه‌ای عرضی با هم قرار می‌دهند (ریسی ۱۳۹۲، ۸۴).

#### مرحله پنجم: تاثیر بر نفس مخاطب

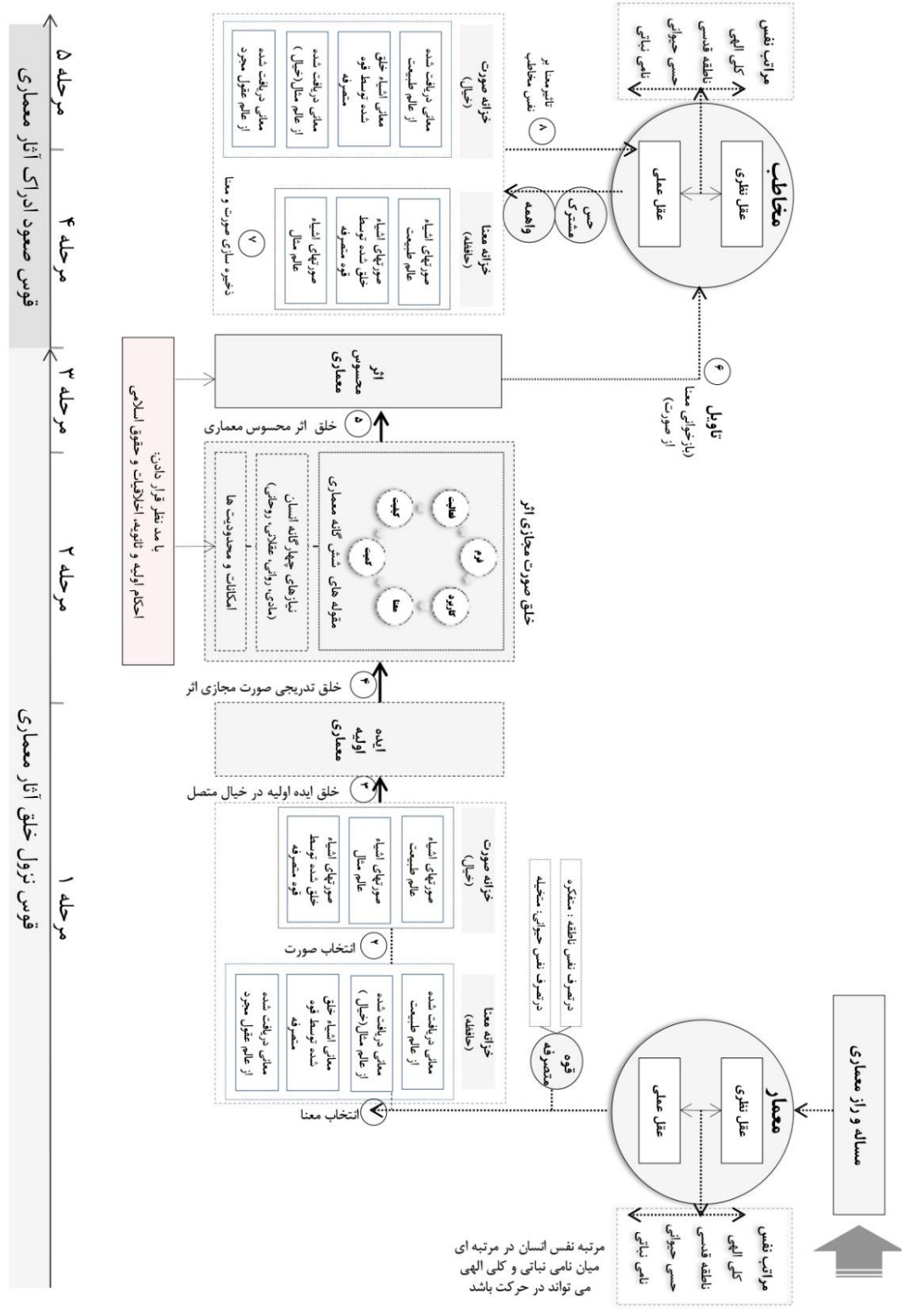
باید اشاره کرد بعد از بازخوانی معانی نهفته در آثار معماری نفس ناطقه مواجه می‌شود با معنای بازخوانی شده و این معنا سبب تغییر و تحول مرتبه نفس مخاطب می‌شود. به عبارتی مخاطب با تمرکز بر روی شیء، قوای حسی و ادراکی خود را، در جهتی خاص به فعلیت می‌رساند؛ و وجود خویش را به تناسب ادراک برخاسته از شیء آفریده‌ی خود، متحول می‌نماید؛ و نتیجه این ادراک بر مرتبه علم و عمل او تاثیر می‌گذارد.

باید توجه داشت که فرایند ادراک اولین بار در نفس معمار محقق می‌شود؛ و معمار خود اولین مخاطب آثار خود است و نفس او در مواجهه با آثار خلق شده توسط خود دچار تحول خواهد شد؛ زیرا فرایند خلق و ادراک آثار هنری فرایندی دو سویه از معنی به صورت و صورت به معنا خواهد بود.

بعد از شناخت مراحل و عوامل موثر بر کیفیت آنها، در این مرحله در راستای کمک به ارتقای کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری و بسترسازی جهت خلق آثار معماری شایسته، عوامل موثر بر کیفیت این فرایند را که به تفصیل در این بخش معرفی شدند؛ بر ساختار مبسوط ارائه شده از این فرایند و مراحل آن (نمودار ۲) بازتاب داده و مدلی پیشنهادی برای جهت‌دهی به تحقق این فرایند در قالب نمودار ۳ ارائه داده است.



نمودار ۳. مدل پیشنهادی برای جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری برای دستیابی به آثار معماری شایسته بر اساس مبانی حکمت متعالیه





بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری، بهترین فرایندی که انسان می‌تواند از آن الگوگیری نماید فرایند خلق عالم هستی است؛ و در راستای ارتقای محتوای این فرایند بهترین روش، مراجعه به غنی‌ترین منبع معنا، یعنی اسما و صفات الهی و تلاش برای ادراک و احصا این معانی است.

بر اساس مطالعات صورت گرفته در این پژوهش ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری از پنج مرحله اصلی تشکیل شده است. در مرحله اول، معمار در مواجهه با مساله معماری با به خدمت در آوردن قوه متصرفه به خزانه صورت و معنا مراجعه می‌نماید تا ایده خود را به صورت مثالی در خیال خود ترسیم نماید. در مرحله دوم، معمار این ایده را با مد نظر قرار دادن نیازهای مخاطب متناسب با امکانات و محدودیت‌های بستر طرح، و با کمک مقوله‌های سازنده معماری، در قالب یک طرح معماری (صورت مجازی اثر) بسط می‌دهد؛ و در مرحله سوم، این طرح را با توجه به شرایط بستر طرح، به صورت اثری محسوس ایجاد می‌نماید. در مرحله چهارم، این اثر مورد ادراک مخاطب اثر، که اولین آن خود خالق اثر است، قرار گرفته و سیری از ظاهر به باطن طی می‌شود تا معانی نهفته در اثر معماری دریافت گردد. و در نهایت نفس مخاطب تحت تاثیر معنای دریافت شده از آن قرار می‌گیرد.

ارکان اصلی سازنده این ساختار عبارتند از: مرتبه نفس معمار و مخاطب، قوای ظاهری (بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی، و لامسه) و قوای باطنی (قوه متصرفه، خیال (خزانه صورت)، حافظه (خزانه معنا)، حس مشترک و واهمه) در معمار و مخاطب، مقوله‌های سازنده معماری، نیازهای انسان، امکانات و محدودیت‌های بستر طرح متناسب با مجموع شرایط زمانی و مکانی.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. Gray
۲. Hughes
۳. Ill defined problem
۴. Casakin
۵. Cross

باید توجه داشت که ساختار ارائه شده در نمودار ۲، در حقیقت بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه است؛ و هر انسان معماری خودش غایت و کیفیت این فرایند را مشخص می‌نماید؛ اما ساختاری که در قالب نمودار ۳ معرفی شده یک فرایند جهت‌دهی شده به سمت به کارگیری مبانی اسلامی در محتوای این فرایند است.

#### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها و نتایج این پژوهش می‌توان گفت: کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری تحت تاثیر مستقیم مرتبه نفس معمار است که بر ایند حاصل از تعامل علم و عمل او یا همان عقل نظری و عملی در اوست.

فرایند خلق و ادراک آثار معماری مانند سایر افعال انسان دارای جهت است؛ که این جهتگیری وابسته به مرتبه نفس معمار در شروع شکل‌گیری این فرایند است. اگر قوه متصرفه در اختیار نفس ناطقه انسان و عقل او باشد؛ این فرایند جهت قرب الی الله خواهد داشت و اگر قوه متصرفه در اختیار نفس حیوانی و وهم باشد؛ این فرایند در جهت غفلت از خدا تحقق می‌یابد.

مهم‌ترین عوامل موثر بر کیفیت اثر معماری عبارتند از:

- مرتبه نفس معمار و انگیزه او از خلق اثر
  - سطح تعامل معمار با عوامل هستی
  - خزانه صورت و معنا در نفس معمار
  - تعریف معمار از مقوله‌های سازنده معماری
  - تعریف معمار از انسان، قوا و نیازهای او
  - میزان توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب
  - استعدادهای ذاتی معمار
  - میزان آشنایی معمار با مهارت‌های بیان در معماری
  - میزان تجربه و آشنایی با معمار آثار برگزیده معماری
- از منظر حکمت متعالیه، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس فرایند خلق و ادراک آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی می‌باشد؛ لذا در راستای







اضطرار، اکراه و دیگر عناوین عارضی بار می‌شود؛ مانند جواز افطار در ماه رمضان در مورد کسی که روزه برایش ضرر دارد یا موجب حرج است و سبب نام‌گذاری چنین حکمی به حکم ثانوی آن است که در طول حکم واقعی اولی قرار دارد». باید اشاره کرد تغییر حکم اولیه به حکم ثانویه متعلق به کسی است که در جامعه دارای ولایت بوده و این ولایت را خداوند به وی اعطا کرده است. لذا در جامعه اسلامی وضع احکام ثانویه در درجه اول متعلق به پیامبر گرامی اسلام (ص) و جانشینان به حق او یعنی ائمه‌علیهم السلام می‌باشد؛ و در عصر حاضر نیز که عصر غیبت می‌باشد؛ این حق متعلق به نواب عام امام زمان (ع) یعنی فقها می‌باشد و آنها می‌توانند در موارد خاص مثل آنچه در بالا ذکر کردیم؛ احکام ثانویه‌ای وضع و به جای احکام اولیه جاری سازند (مشکینی ۱۳۴۸، ۱۲۱).

۶. قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فلنحیینه حیاة طیبه» (سوره نحل / ۹۷). استفاده از تعبیر «حیات طیبه» برای اشاره به وضعیت شایسته زندگی انسان در دنیا بر اساس نظام معیار دینی و به مثابه مصداق عینی و ملموس مفهوم عمیق و عرفانی «قرب الی الله» پیش از این در بیانات متفکران اسلامی سابقه دارد (صادق‌زاده ۱۳۹۰، ۱۲۱).

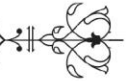
#### ۷. Concept

۸. احکام به‌عنوان یکی از سه بخش دین اسلام، در تقسیمات فقه‌های شیعه دارای دو قسم احکام اولی و احکام ثانوی است. «حکم اولیه حکمی است که بر افعال خداوند به لحاظ عناوین اولی آنها بار می‌شود؛ مثل وجوب نماز صبح و حرمت نوشیدن شراب. حکم ثانویه حکمی است که بر موضوعی به وصف

### منابع

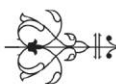
۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۹. *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*. تهران: انتشارات حکمت.
۲. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۱. ادراک خیالی و هنر. *فصلنامه خیال (۲)*. تهران: فرهنگستان هنر.
۳. اخلاصی، احمد، محمد علی‌آبادی، و علی خواجوی. ۱۳۹۰. تبیین فرایند آفرینش‌های هنری بر مبنای حکمت و فلسفه اسلامی. در *همایش معماری و شهرسازی اسلامی*. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ۱۱۳-۱۱۴.
۴. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۸۰. *حس وحدت*. ترجمه حمید شاهرخ. تهران: انتشارات خاک.
۵. ارشد ریاحی، علی، و صفیه واسعی. ۱۳۹۰. ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا. *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام* ۴۳ (۸۶-۲): ۹-۴۵.
۶. آشتیانی، سید. جلال‌الدین. ۱۳۸۰. *شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا*. قم: حوزه علمی قم.
۷. اعوانی، غلامرضا. ۱۳۹۰. *پیوند معماری سنتی با حکمت*. سید حسین امامی. ۱۳۹۰/۱۰/۴. <http://www.ettelaathekmatvamarefat.com>.
۸. اکبریان، رضا. ۱۳۸۸. *قوة خیال و عالم صور خیالی*. *آموزه‌های فلسفی-کلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی* (۸): ۳-۳۲.
۹. بلخاری قهقی، حسن. ۱۳۸۴. *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. دفتر دوم: *کیمیای خیال*. تهران: نشر سوره مهر.
۱۰. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. *ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۱. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۶. تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی* (۱۴): ۴۸-۶۷.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. تنظیم احمد واعظی. قم: نشر اسراء.
۱۳. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۸۰. *عیون، مسائل نفس و شرح آن*، جلد ۱ و ۲. ترجمه ابراهیم احمدیان و سید مصطفی بابایی. قم: نشر بکا.
۱۴. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۲. *معرفت نفس*، جلد ۱ و ۳. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۶. *صد کلمه در معرفت نفس*. قم: نشر قیام.
۱۶. خاکی قصر، آزاده. ۱۳۹۱. *انکشاف موضوع نظم در معماری به‌مثابه یکی از مظاهر کیفیت*. *نشریه شهر و معماری بومی* (۲): ۶۳-۸۰.





۱۷. خواجوی، علی، مهدی کبودی، و احمد اخلاصی. ۱۳۸۹. تبیین خلاقیت هنری بر اساس کلیات حکمت و فلسفه اسلامی. *فصلنامه حکمت و فلسفه* ۱ (۳): ۲۴۳-۲۸۳.
۱۸. خواجوی، محمد. ۱۳۸۰. *ترجمه اسفار*. تهران: انتشارات مولی.
۱۹. خیراللهی، مهران. ۱۳۸۹. *ماهیت خلاقیت در فرایند طراحی معماری*. پایان‌نامه دکتري. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۲۰. رنجبر کرمانی، علی. م. ۱۳۸۸. *روش سامانه‌ای در طراحی معماری در پرتو بینش اسلامی*. پایان‌نامه دکتري. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۱. رئیس‌سمیعی، محمد مهدی. ۱۳۸۲. تأویل و کاربرد نظریه مراتب وجود در معماری. در *مجموعه مقالات همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتالهین*. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۲. رئیس‌ی، محمد منان. ۱۳۹۲. *معناشناسی در آثار معماری برای ارتقای طراحی مساجد*. پایان‌نامه دکتري. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۳. صادق‌زاده قمصری، علیرضا. ۱۳۹۰. *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین. بی‌تا. *نرم‌افزار نورالانوار، التفسیر المیزان*، جلد ۱ و ۱۶. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۵. عظیمی، مریم. ۱۳۹۲. *روش طراحی معنا، خیال، معماری با بهره‌گیری از تفکر ناخودآگاه در معماری*. پایان‌نامه دکتري. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۶. کاپن، دیوید اسمیت. ۱۳۸۳. *تئوری‌های معماری*، جلد ۱ و ۲. ترجمه علی یاران. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۷. لاسون، برایان. ۱۳۸۴. *طراحان چگونه می‌اندیشند؛ ابهام‌زدایی از فرایند طراحی*. ترجمه‌ی حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. لنگ، جان. ۱۳۹۰. *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. مشکینی اردبیلی، علی. ۱۳۴۸. *اصطلاحات الاصول*. قم: انتشارات حکمت.
۳۰. نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۴. *تخیل و خلاقیت هنری*. در *مقالات اولین هم‌اندیشی تخیل هنری*. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۹۳-۲۱۷.
۳۱. ندیمی، هادی. ۱۳۸۰. *بهاء حقیقت مدخلی بر زیبایی‌شناسی معماری اسلامی*. ص ۴۷-۵۷.
۳۲. نصر، سید حسین. ۱۳۷۵. *هنر و معنویت اسلامی*. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۳. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
۳۴. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۰. *رساله نظریه‌پردازی در محوریت تعامل انسان با ایده‌های فضایی-هندسی در معماری*.
۳۵. \_\_\_\_\_، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۳. بررسی قابلیت‌های فضای معماری جهت ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام (نمونه موردی خانه‌های زینت‌الملک شیراز و بروجردی‌های کاشان). *فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی-اسلامی* (۱۵).
۳۶. نقره‌کار، عبدالحمید، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۶. *تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی*. *فصلنامه علمی-پژوهشی آرمان‌شهر* (۱۹): ۱۰۵-۱۱۹.

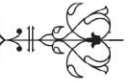




## Referenses

1. Aevani, Gholamreza. 2011. *Linking Traditional Architecture with Wisdom*. Seyed Hossein Emami. 25/12/2011. <http://www.ettelaathekmatvamarefat.com>.
2. Akbarian, Reza. 2009. The Power of Imagination and the World of Imaginary Images. *Philosophical-theological Teachings of Razavi University of Islamic Sciences* (8): 3-32.
3. Ashtiani, Seyed Jalaledin. 2001. *Biography and Philosophical Views of Mulla Sadra*. Qom: Qom Seminary.
4. Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2001. *The Sense of Unity*. Translated by Hamid Shahrokh. Tehran: Khak.
5. Arshad Riahi, Ali, and SafiyeVaseei. 2011. The Relationship Between the Levels of Existence and the Levels of Perception, According to Mulla Sadra. *Islamic Studies: Philosophy and Theology* 43 (2-86): 9-45.
6. Azimi, Maryam. 2013. *Method of Designing Meaning, Imagination, Architecture Using Unconscious Thinking in Architecture*. PhD Thesis. Tehran: Iran University of Science and Technology.
7. Bolkarighahi, Hassan. 2005. *Mystical Foundations of Islamic Art and Architecture, Book 2: The Alchemy of Imagination*. Tehran: Sooreye-Mehr.
8. Casakin, Hernan. 2008. Factors of Design Problem-Solving and their Contribution to Creativity. *Open House International* 33(1) :46-60.
9. Cross, Nigel. 1984. *Developments in Design Methodology Hardcover*. Wiley-Blackwell Press.
10. Ebrahimi Dinani, Gholamhossein. 2000. *The Ray of Thought and Intuition in Suhrawardi's Philosophy*. Tehran: Hekmat.
11. \_\_\_\_\_ .2002. Imaginary Perception and Art. *Imagination Quarterly* (2). Tehran: Academy of Art.
12. Ekhlasi, Ahmad, Mohamad Aliabadi, and Ali Khajavi. 2011. Explaining the Process of Artistic Creations Based on Islamic Wisdom and Philosophy. In *the Conference of Islamic Architecture and Urban Planning*. Tabriz: Art University of Tabriz.
13. Hassanzadeh Amoli, Hassan. 2001. *Oyun, Nafs Issues and Its Description*. Translated by Ebrahim Ahmadian and Seyed Mostafa Babaei. Qom: Boka.
14. \_\_\_\_\_ .2003. *Maerefat-e Nafs, Volume 1 &3*. Tehran: Elmi va Farhangi Corporations.
15. \_\_\_\_\_ .2007. *One Hundred Words in Self-Knowledge*. Qom: Ghiam Publication.
16. Javadye Amoli, Abdollah. 2007. *The Status of Reason in The Geometry of Religious Knowledge*. Collected by Ahmad Vaezi. Qim: Esra.





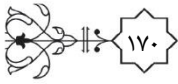
17. Kapen, David Esmit. 2004. *Theories of Architecture, Vol. 1 and 2*. Translated by Ali Yaran. Tehran: Scientific Publishing Center of Islamic Azad University.
18. Khajavi, Ali, Mehdi Kabudi, and Ahmad Ekhlasi. 2009. The Explanation of Artistic Creation by the Principles of Islamic Wisdom and Philosophy. *Wisdom and Philosophy* 1 (3): 243- 283.
19. Khajavi, Mohamad. 2001. *Translation of Asfar*. Tehran: Mola.
20. Khaki Ghasr, Azade. 2012. The Development of the Subject of Order in Architecture as one of the Manifestations of Quality. *Studies on Iranian-Islamic City* (3): 243- 283.
21. Kheirollahi, Mehran. 2010. *The Nature of Creativity in the Architectural Design Process*. PhD Thesis. Tehran: Islamic Azade Eslami University.
22. Lang, Jan. 2011. *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran Press.
23. Lawson, Bryan. 2005. *How Designers Think: The Design Process Demystified*. Translated by Hamid Nadimi. Tehran: Shahid Beheshti University
24. Meshkini Ardebili, Ali. 1969. *Estelihat ol-Osul*. Qom: Hekmat Publication.
25. Nadimi, Hadi. 2001. The Price of Truth is an Entry on the Aesthetics of Islamic Architecture. *Soffeh* (33): 47-57.
26. Namvar Motlagh, Bahman. 2005. Imagination and Artistic Creativity. In the Proceedings of the first Symposium of Artistic Imagination. Tehran: Academy of Arts Publications, 193-217.
27. Nasr, Seyed Hossien. 1996. *Islamic Art Spirituality*. Translated by Rahim Ghasemian. Tehran: Office of Religious Art Studies.
28. Noghrekar, Abdalhamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Architecture and Urban Design Office, Payam-e Sima Planning and Printing Corporation.
29. \_\_\_\_\_. 2011. *Theory in the Focus of Human Interaction With Spatial Ideas Geometry in Architecture*.
30. \_\_\_\_\_, and Samaneh Taghdir. 2014. A Study of the Architectural Space Capabilities for Creating a Bed-Ground to Respond to Human's Needs from The Islamic Perspective; A Case Study On Zinat-Al Molk of Shiraz and Broujerdis of Kashan House. *Iranian Islamic City Studies* (15).
31. Noghrekar, Abdalhamid, Farhang Mozafar, Samane Taghdir. 2017. Communication of Man and Universe in Islam: The Reflection in Islamic Architecture, Based on Transcendent Wisdom. *Armanshahr* (19): 105- 119.
32. Ranjbar Kermani, Ali M. 2009. *Systematic Method in Architectural Design in the Light of Islamic Insight*. PhD Thesis. Tehran: Iran University of Science and Technology.





33. Raeisi, Mohamad Manan. 2013. *Semantics in Architectural Works to Promote the Design of Mosques*. PhD Thesis. Tehran: Iran University of Science and Technology.
34. Raeis Samiei, Mohamad Mehdi. 2003. Interpretation and Application of the Theory of Existence in Architecture. In *the Proceedings of the Conference in Honor of Hakim Sadr al-Mutallah*. Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation
35. Sadeghzade Ghamsari, Alireza. 2011. Theoretical Foundations of Fundamental Change in the Formal Public Education System of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
36. Tabatabaee, Mohamad Hossein. No Date. *Noor-ol-Anvar Software, Al-Tafsir al-Mizan, Vol. 1 and 16*. Qom: Computer Science Research Center of Islamic Sciences.
37. Taghdir, Samaneh. 2014. *Structure of Creation and Perception Process in Architectural Pieces, on the basis of Transcendent Wisdom*. PhD Thesis. Tehran: Iran University of Science and Technology.
38. \_\_\_\_\_. 2017. Explaining the Human Perception Levels and Process and Its Role in the Quality of Creation of Architectural Works Based on Transcendent Wisdom. *Researches in Islamic Architecture* 5 (1):48-67.





Journal of Research in Islamic Architecture / No.32 / Autumn 1400



**Rereading of Creation and Perception Process in Architectural Pieces,  
On the basis of Transcendent Wisdom**

**Samaneh Taghdir**

Assistant professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran  
University of Science & Technology, Tehran University

*Corresponding author: s\_taghdir@iust.ac.ir*

**Received:** 17/03/2021

**Accepted:** 22/09/2021

**Abstract**

Cognition towards creation and perception process of architecture is an important and complicated subject of architectural realm. Despite numeral related researches of recent decades, some of the aspects of this subject are still unknown. Considering the fact that proper cognition of this process could create the groundwork of quality improvement in architectural pieces and will help to find solutions for many of the architects' assumed problems, the issue of this research is about reviewing the structure of creation and perception process in architectural pieces on the basis of transcendent wisdom. In order to do this, the strategy of logical reasoning has been selected. At the first step of this research, an accurate description of human, existence and their aspects and capacities is defined, and then the interaction between human and existence and its reflection on creation and perception process in architectural pieces is analyzed on the basis of transcendent wisdom as the theoretical foundation of this research. Since transcendent wisdom asserts on the fact that God created the human as himself when it got to the sense of creativity, and that the most perfect creation of God is the world of existence, this research will also review the creation process of the world, making a pattern to define the creation and perception process in architectural pieces in five steps. The main components of this structure include: the soul grade of architect and spectator, and their Appearance powers (vision, smell, hearing, taste, touch) and their internal powers (Hes-E-Moshtarak, Motesarefeh, Vahemeh, imagination, memory), Architectural categories (form, function, meaning, design & construction, tissue and cohesion, mood and will), and quadripartite needs of human (physical needs, psychical needs, rational needs, spiritual needs) Finally, Identifying the effective factors of this process on the quality of architectural pieces will lead to presented suggestions of this research which can improve the quality of this process. Results show that by considering the comprehensive foundations of Islamic thoughts as the theoretical foundation of Architectural researches will help to suggest solutions for complicated problems of architectural realm.

**Key words:**

Human soul, Existence, Architectural Process, Creation, Perception, Transcendent Wisdom

